

رابطه بین هوش هیجانی و به کارگیری مؤلفه‌های تدریس اثربخش استادان دانشگاه علوم پزشکی مازندران

حسن اسلامیان*، حسین جعفری ثانی، زهره گودرزی، زهرا اسلامیان

چکیده

مقدمه: امروزه توانایی تنظیم و مدیریت هیجانات استادان در کلاس درس، مقوله‌ای بسیار مهم و تعیین کننده برای تدریس موفق و مؤثر است. هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین رابطه بین هوش هیجانی استادان و اثربخشی تدریس و به کارگیری مؤلفه‌های تدریس اثربخش استادان دانشگاه علوم پزشکی بود.

روش‌ها: در این پژوهش توصیفی همبستگی جامعه آماری شامل کلیه استادان دانشگاه علوم پزشکی مازندران بود که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به تدریس بودند (۳۹۳ نفر). مطابق با جدول حجم نمونه کرجسی و مورگان، ۱۹۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش حاضر شامل پرسشنامه محقق ساخته تدریس اثربخش و پرسشنامه هوش هیجانی بار _ ان بود. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون انجام شد.

نتایج: بین متغیر هوش هیجانی استادان با انجام تدریس اثربخش توسط آنها رابطه معناداری مشاهده شد ($p < 0/05$). هوش هیجانی استادان با ضریب معناداری قدرت پیش‌بینی تدریس اثربخش را نشان داد ($\beta = 0/78$ ، $p < 0/0005$). بین هوش هیجانی استادان و به کارگیری همه مؤلفه‌های تدریس اثربخش (طراحی تدریس، اجرای آموزش، مدیریت کلاس درس، روابط انسانی، ارزشیابی و برخورداری از ویژگی‌های مطلوب شخصیتی) رابطه معناداری وجود داشت ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج بیانگر آن بود که با کنترل متغیرهای سن، جنس و تحصیلات استادان، فاکتور هوش هیجانی قادر است با قدرت بالایی اثربخشی تدریس استادان را پیش‌بینی نماید. به بیان دیگر، برخورداری استادان از هوش هیجانی بالا، می‌تواند عاملی تعیین کننده در اثربخشی تدریس آنان باشد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، تدریس اثربخش، پیش‌بینی تدریس اثربخش، استادان دانشگاه

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی / آبان ۱۳۹۳؛ ۱۴(۸): ۶۸۷ تا ۶۹۷

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر توجه بیشتر

پژوهشگران را در محافل علمی به خود معطوف داشته است، هوش هیجانی است که وجود آن را افزون بر هوش شناختی - عقلانی برای موفقیت در کار و هدایت زندگی شخصی مؤثر دانسته‌اند. البته، هوش هیجانی به طور کلی موضوع جدیدی نیست، اما اثرگذاری آن بر فعالیت‌ها و عملکرد انسان به تازگی مورد علاقه پژوهشگران قرار گرفته است. تأثیر هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان بسیار مورد بررسی قرار گرفته است (۱)، اما یکی از حوزه‌های مهم که نسبت به مورد قبلی کمتر به آن پرداخته

* نویسنده مسؤول: حسن اسلامیان، دانشجوی دکترای رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. eslamian.1362@yahoo.com

دکتر حسین جعفری ثانی (دانشیار)، دانشگاه فردوسی مشهد، گروه علوم تربیتی، مشهد، ایران. hsuny@ferdowsi.um.ac.ir؛ زهره گودرزی، کارشناس ارشد علوم تربیتی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور فریدونشهر، اصفهان، ایران.

goudarzi.zohreh@yahoo.com؛ زهرا اسلامیان، دانشجوی دکترای رشته

برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

zahra.es68@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۲/۱۴، تاریخ اصلاحیه: ۹۳/۴/۳۱، تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۹

راحتی بیشتری را احساس می‌کنند (۱۱). در مجموع، وجود هماهنگی و تعامل مؤثر بین مدرس و فراگیران در فعالیت‌های یاددهی یادگیری، به این معناست که مدرس و فراگیران، با تجربه یک فضای همدلانه و مشارکت محور به انجام مسئولیت‌های خود می‌پردازند و این مسأله در اشتیاق به یادگیری و تحقق یادگیری مطلوب، بسیار تأثیرگذار خواهد بود (۱۲). در واقع می‌توان نتیجه گرفت استنادی که در فرایند رشد علمی و شخصیتی دانشجویان مشارکت دارند باید به زندگی عاطفی دانشجویان و پویایی عاطفی کلاس درس اهمیت دهند. در حقیقت استناد باید با برقراری روابط میان فردی مطلوب با دانشجویان، از اضطراب و کاهش عزت‌نفس دانشجویان جلوگیری کرده و به عواطف خودشان و فراگیران در فرایند تدریس و یادگیری اهمیت دهند (۱۳). بنابراین توانایی تنظیم و مدیریت هیجانات استناد در کلاس درس، مقوله‌ای بسیار مهم و تعیین‌کننده برای تدریس موفق و اثربخش است. برخلاف مهارت‌های دیگر که یک مدرس داراست، توانایی پاسخ به موقعیت‌های دشوار و پیش‌بینی نشده شاید چالش‌آورتر از همه باشد. وقتی که زمان برای واکنش کوتاه است، مدرس باید قادر باشد یک سازگاری هیجانی سریعی را حتی در میانه یک موقعیت بسیار منفی ایجاد کند و در همه موقعیت‌هایی که در برنامه‌های درسی پیش‌بینی و برنامه‌ریزی نشده‌اند، سازگاری هیجانی مناسبی را اعمال نماید (۱۴).

در راستای مرور متون تجربی مرتبط با پژوهش حاضر، به چند مورد از پژوهش‌های مشابه که توسط محققان انجام شده است، اشاره می‌شود.

حقانی، امینیان و چنگیز در مطالعه‌ای به بررسی هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در بین اساتید علوم پایه پزشکی که از نظر دانشجویان ترم آخر این مقطع استاد نمونه بوده‌اند و مقایسه آن با سایر اساتید علوم پایه پزشکی، پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین نمره کل هوش هیجانی اساتیدی که دانشجویان آنها را نمونه می‌دانستند با سایر اساتید، وجود نداشت. دیگر نتایج این

شده است، تأثیر هوش هیجانی بر اثربخشی تدریس استناد دانشگاه است.

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح شده در خصوص هوش هیجانی، نظریه هوش هیجانی بار - آن (Bar-on) است که توصیف مبنایی‌اش از هوش هیجانی شامل ۱۵ مؤلفه است که عبارتند از خودآگاهی، خودآزمایی، عزت‌نفس، خود شکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسأله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانه، خوش‌بینی و شادمانی (۲).

از طرفی از میان مجموعه فعالیت‌هایی که برای تعلیم و تربیت دانشجویان انجام می‌شود، بیش‌ترین سهم به تدریس مدرس در کلاس درس اختصاص می‌یابد (۳). نظر به اهمیت امر تدریس در دانشگاه، تلاش‌ها و مطالعات متعددی نظیر پژوهش‌های کنایر و کروپلی (Knapper, Cropley) (۴)، دالبی (Dalby) (۵)، نیکول و هاریسون (Nicoll, Harrison) (۶)، کد جوزپ (Codde, Joseph) (۷)، آگوزاین، بیٹی، بری، فلورن، کریت (Algozzine, Beattie, Bray, Flowers, Grete) (۸)، و نلسون (Nelson) (۹) در راستای تعیین معیارهای تدریس اثربخش در آموزش عالی انجام شده است، که با استناد به پژوهش‌های ذکر شده، می‌توان گفت مهم‌ترین و کلی‌ترین معیارهای تدریس اثربخش استناد دانشگاه، ناظر بر طراحی تدریس، اجرای آموزش، مدیریت کلاس درس، روابط انسانی، ارزشیابی و ویژگی‌های شخصیتی مطلوب، است.

به زعم صاحب‌نظران و محققان حوزه تدریس، حرفه استادی و معلمی از مشاغلی است که توانایی هوش هیجانی بیش‌تری را می‌طلبد. در واقع اثربخشی تدریس یک مدرس، مستلزم هماهنگی فعالیت‌های مدرس و فراگیر در یک فضای یاددهی یادگیری همکارانه و توأم با احساس صمیمیت، همدلی و شوق به یادگیری در کلاس درس است (۱۰). پژوهش‌های انجام گرفته در کلاس‌های درس نشان می‌دهد که وجود هماهنگی فعالیت‌های مدرس و فراگیران، نشانگر این است که آنان در تعامل بین خود، دوستی، شادی، اشتیاق، علاقه مندی و

پژوهش نشان داد نمره اساتید نمونه در برخی از حیطه‌های هوش هیجانی نظیر شادمانی، خوش بینی، عزت نفس و انعطاف پذیری به طور معناداری بالاتر از سایر اساتید بوده است (۱۵). فلاحی و رستمی، در پژوهشی به بررسی نقش هوش هیجانی در اثربخشی تدریس معلمان مدارس راهنمایی پرداختند، نتایج این پژوهش حاکی از رابطه معنادار بین هوش هیجانی و اثربخشی تدریس معلمان بود. همچنین نتایج مرتبط با رابطه بین هوش هیجانی و زیرمقیاس‌های تدریس اثربخش نشان داد بین هوش هیجانی با دو زیر مقیاس حمایت عاطفی و حمایت آموزشی، رابطه معنادار وجود داشته و با زیر مقیاس سازمان‌دهی کلاسی، رابطه معناداری وجود نداشته است (۱).

یافته‌های پژوهش هوانگ (Hwang)، که در خصوص رابطه بین هوش هیجانی معلمان و اثربخشی تدریس آنها در یک مرکز فناوری در تایوان انجام شد، نشان داد معلمانی که دارای مهارت‌های کلی هوش هیجانی برتر بودند، دارای اثربخشی تدریس بالاتری نیز بودند (۱۶). دفابیو و پالازچی (Defabio, Palazzeschi)، در پژوهشی تأثیر هوش هیجانی بر خود کارآمدی دبیران دبیرستانی در ایتالیا را مورد بررسی قرار دادند که نتایج نشان‌دهنده تأثیر کلی هوش هیجانی بر خود کارآمدی دبیران بوده و تفاوت معناداری در هوش هیجانی دبیران با توجه به سن آنها وجود داشته است (۱۷). نتایج پژوهش چن (Chan)، که در ارتباط با هوش هیجانی و خود کارآمدی در مورد دبیران مدارس متوسطه در هنگ کنگ انجام شد، حاکی از آن بود خود کارآمدی معلمان به وسیله بعد درون فردی بیشتر توضیح داده می‌شود و معلمانی که خود کارآمدی پایینی داشتند، هوش هیجانی کم‌تری داشتند (۱۸).

روش‌ها

پژوهش حاضر، از حیث هدف، کاربردی و از جهت روش، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه استادان دانشگاه علوم پزشکی مازندران بود که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ مشغول به تدریس بودند (۳۹۳ نفر) که

روزی بر ادبیات نظری مرتبط با مباحث هوش هیجانی و تدریس اثربخش و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، نشان می‌دهد با وجود اهمیت فوق العاده امر تدریس و به کارگیری معیارهای تدریس اثربخش توسط استادان دانشگاه، همچنین وجود رابطه بسیار مهم و روشن بین این

مورد بررسی قرار دادند که نتایج نشان‌دهنده تأثیر کلی هوش هیجانی بر خود کارآمدی دبیران بوده و تفاوت معناداری در هوش هیجانی دبیران با توجه به سن آنها وجود داشته است (۱۷). نتایج پژوهش چن (Chan)، که در ارتباط با هوش هیجانی و خود کارآمدی در مورد دبیران مدارس متوسطه در هنگ کنگ انجام شد، حاکی از آن بود خود کارآمدی معلمان به وسیله بعد درون فردی بیشتر توضیح داده می‌شود و معلمانی که خود کارآمدی پایینی داشتند، هوش هیجانی کم‌تری داشتند (۱۸).

مورد بررسی قرار دادند که نتایج نشان‌دهنده تأثیر کلی هوش هیجانی بر خود کارآمدی دبیران بوده و تفاوت معناداری در هوش هیجانی دبیران با توجه به سن آنها وجود داشته است (۱۷). نتایج پژوهش چن (Chan)، که در ارتباط با هوش هیجانی و خود کارآمدی در مورد دبیران مدارس متوسطه در هنگ کنگ انجام شد، حاکی از آن بود خود کارآمدی معلمان به وسیله بعد درون فردی بیشتر توضیح داده می‌شود و معلمانی که خود کارآمدی پایینی داشتند، هوش هیجانی کم‌تری داشتند (۱۸).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسأله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانه، خوش‌بینی و شادمانی) مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. پاسخ‌های این آزمون بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای در طیف لیکرت از کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی موافقم، مخالفم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده است و به ترتیب ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ امتیاز به گزینه‌های مذکور تعلق می‌گیرد. شایان ذکر است که از این میان پاره‌ای از سؤالات نیز به صورت معکوس نمره‌گذاری شده‌اند. نمره مربوط به هر خرده مقیاس با مجموع نمرات سؤالات همان خرده مقیاس برابر بوده و نمره کل نیز برابر با مجموع نمرات ۱۵ خرده مقیاس است. فرم اولیه آن شامل ۱۱۷ پرسش است که در این پژوهش فرم ۹۰ پرسشی آن که به وسیله سموعی در ایران در مورد ۵۰۰ نفر از دانشجویان رشته‌ها و سنین گوناگون در دو جنس به صورت انفرادی و حضوری اجرا شد، استفاده شده است. پایایی فرم ۹۰ پرسشی آزمون از راه محاسبه آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۹۳ گزارش گردیده است (۱۹). پایایی این ابزار در این پژوهش آلفای ۰/۸۶ را برای کل آزمون نشان داد.

در پژوهش حاضر ۱۹۱ نفر از استادان دانشگاه علوم پزشکی مازندران به روش تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردیدند. به این ترتیب که پس از دریافت معرفی‌نامه از معاونت آموزشی دانشگاه و با دریافت فهرست تعداد و اسامی استادان و شماره گذاری براساس نام و نام‌خانوادگی و به ترتیب حروف الفبا، از طریق جدول اعداد تصادفی، نمونه‌ای از استادان به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب و در مطالعه شرکت داده شدند، سپس با مراجعه به دفاتر کاری و بعضاً کلاس‌های تدریس استادان، پس از توضیح دادن مختصر موضوع و اهداف پژوهش به استادان و پس از کسب موافقت و رضایت کامل آنها، پرسشنامه‌ها را در اختیار آنها قرار داده و از آنها خواسته می‌شد که به دو پرسشنامه هوش هیجانی و تدریس اثربخش پاسخ دهند. سپس در روزها و هفته‌های

مطابق با جدول حجم نمونه کرجسی و مورگان، ۱۹۱ نفر به عنوان نمونه آماری پژوهش تعیین شدند. برای نمونه‌گیری از روش تصادفی ساده استفاده شد.

در پژوهش حاضر از دو ابزار اصلی به شرح زیر استفاده شد:

۱- پرسشنامه محقق‌ساخته تدریس اثربخش: حاوی ۳۰ سؤال پنج گزینه‌ای مطابق با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت که توسط پژوهشگر فراهم شد. در طراحی این پرسشنامه با استناد به متون پژوهشی حوزه تدریس، ۶ معیار برای تدریس اثربخش در نظر گرفته شد که شامل طراحی تدریس (سؤال ۵ تا ۱۰)، اجرای تدریس (سؤال ۱۰ تا ۱۶)، مدیریت کلاس درس (سؤال ۱۱ تا ۱۵)، روابط انسانی (سؤال ۱۶ تا ۲۰)، ارزشیابی (سؤال ۲۱ تا ۲۵) و ویژگی‌های شخصیتی مطلوب (سؤال ۲۶ تا ۳۰) است. در واقع برای هر یک از این معیارها، ۵ سؤال و در مجموع ۳۰ سؤال در نظر گرفته شد. دامنه نمرات در این پرسشنامه در هر سؤال از صفر تا ۴ بود. پاسخ‌های این آزمون بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای در طیف لیکرت از همیشه، اکثر اوقات، گاهی اوقات، بندرت و هرگز تنظیم شد و به ترتیب ۴، ۳، ۲، ۱، ۰ امتیاز به گزینه‌های ذکر شده تعلق گرفت. کم‌ترین تا بیش‌ترین نمره دامنه نمرات در هر یک از معیارها، از صفر تا ۲۰ بود و به این ترتیب دامنه کم‌ترین تا بیش‌ترین نمره استادان در مجموع ۶ معیار تعیین شده برای تدریس اثربخش، از صفر تا ۱۲۰ در نظر گرفته شد. روایی پرسشنامه با مطالعه و مشورت تعدادی از استادان رشته علوم تربیتی و پژوهشگران حوزه تدریس و پایایی آن نیز از طریق روش بازآزمایی روی ۳۰ نفر نمونه تصادفی از جامعه اصلی (به غیر از افرادی که در پژوهش شرکت داده شدند) بررسی شد، که همبستگی بسیار بالایی (۲=۰/۸۹) به دست آمد.

۲- پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان: ابزار مورد استفاده برای محاسبه هوش هیجانی استادان، پرسشنامه بار-ان بود که هوش هیجانی را در ۱۵ خرده مقیاس (خودآگاهی، خودآزاری، عزت‌نفس، خود شکوفایی، استقلال، همدلی،

جنسیت	زن	۶۰(٪۳۴/۸۸)
	مرد	۱۱۲(٪۶۵/۱۲)
مرتبه علمی	مربی	۷۵(٪۴۳/۶۰)
	استادیار	۵۷(٪۳۳/۱۵)
	دانشیار	۲۷(٪۱۵/۷۰)
	استاد	۱۳(٪۷/۵۵)
سن	۳۵ تا ۴۰ سال	۴۹(٪۲۸/۴۸)
	۴۰ تا ۴۵ سال	۵۳(٪۳۰/۸۱)
	۴۵ تا ۵۰ سال	۳۷(٪۲۱/۵۳)
	۵۰ تا ۵۵ سال	۲۳(٪۱۹/۱۸)

داده‌های جدول ۲ حاکی از آن است که استادان دانشگاه علوم پزشکی مازندران از نظر به کارگیری معیارهای تدریس اثربخش، به ترتیب در معیارهای اجرای تدریس، برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی مطلوب، مدیریت کلاس، روابط انسانی، ارزشیابی و طراحی تدریس، بیش‌ترین تا کم‌ترین نمره را کسب کردند و در مجموع از نظر میزان به کارگیری معیارهای تدریس اثربخش میانگین و انحراف معیار، $91/28 \pm 16/86$ ، را کسب کردند. در معیار اجرای تدریس بالاترین نمره (میانگین و انحراف معیار $16/58 \pm 2/51$) و در معیار طراحی تدریس پایین‌ترین نمره (میانگین و انحراف معیار $13/66 \pm 2/61$)، به استادان تعلق گرفت. همچنین در ارتباط با هوش هیجانی، استادان به ترتیب در مؤلفه‌های عزت‌نفس، خودآگاهی، مسؤلیت‌پذیری اجتماعی، همدلی، خودبازاری، تحمل فشار روانی، استقلال، خوش‌بینی، روابط بین فردی، حل مسأله، خودشکوفایی، شادمانی، انعطاف‌پذیری، واقع‌گرایی و کنترل تکانه، دارای بیش‌ترین تا کم‌ترین سطح هوش هیجانی بودند و در مجموع میانگین و انحراف معیار $354/66 \pm 44/66$ را کسب کردند. استادان در مؤلفه عزت‌نفس با میانگین و انحراف معیار $28/52 \pm 2/66$ ، بالاترین نمره و در مؤلفه کنترل تکانه با میانگین و انحراف معیار $19/24 \pm 2/15$ ، پایین‌ترین نمره را به دست آوردند.

بعدی با پیگیری‌های فراوان، پرسشنامه‌ها توسط پژوهشگر جمع‌آوری گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تجزیه و تحلیل آماری انجام شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS 16 از شاخص‌های آماری فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. چون این پژوهش در پی بررسی قدرت پیش‌بینی هوش هیجانی استادان دانشگاه بر تدریس اثربخش نیز بود و کنترل متغیرهای مستقل دیگر از راه مستقیم امکان‌پذیر نبود، ابتدا نمره هوش هیجانی استادان به دست آمده سپس بر اساس نتایج ماتریس همبستگی، متغیرهایی که با تدریس اثربخش همبستگی نشان دادند، به روش سلسله مراتبی وارد معادله رگرسیون گردیدند تا با کنترل متغیرهای مستقل دیگر، قدرت پیش‌بینی هوش هیجانی بر تدریس اثربخش مشخص گردد.

نتایج

از مجموع ۱۹۱ نفر از استادانی که پرسشنامه‌های پژوهش بین آنها توزیع شد، تعداد ۱۷۲ نفر (۹۰/۰۵ درصد) به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند و پرسشنامه‌های ۱۹ نفر (۹/۹۵ درصد) به دلیل عدم وصول و نقص در تکمیل اطلاعات حذف گردید.

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد از مجموع ۱۷۲ نفر از استادانی که در پژوهش حاضر شرکت کردند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند، اکثریت مرد (۶۵/۱۲ درصد) بودند. بر اساس مرتبه علمی اکثر آنان مربی (۴۳/۶۰ درصد) بودند. همچنین بر اساس سن اکثر آنان در دامنه سنی ۴۰ تا ۴۵ سال (۳۰/۸۱ درصد) بودند.

جدول ۱: اطلاعات دموگرافیک نمونه آماری پژوهش

متغیرها	تعداد(درصد)
---------	-------------

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های تدریس اثربخش و هوش هیجانی استادان

متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین \pm انحراف معیار	دامنه (حداقل و حداکثر) نمره
تدریس اثربخش	طراحی تدریس	۱۳/۴۶ \pm ۲/۶۱	۱۰-۱۶
	اجرای تدریس	۱۶/۵۸ \pm ۲/۵۱	۹-۲۰
	مدیریت کلاس	۱۵/۶۰ \pm ۲/۳۲	۱۲-۱۸
	روابط انسانی	۱۵/۴۴ \pm ۳/۱۷	۱۰-۲۰
	ارزشیابی	۱۳/۹۸ \pm ۲/۴۴	۸-۱۷
	برخورداری از ویژگی‌های مطلوب شخصیتی	۱۶/۲۲ \pm ۳/۸۱	۱۱-۲۰
	مجموع	۹۱/۲۸ \pm ۱۶/۸۶	۵۰-۱۱۱
هوش هیجانی	خودآگاهی	۲۷/۱۵ \pm ۲/۲۷	۱۲-۲۹
	خودآبرازی	۲۵/۷۶ \pm ۳/۴۴	۱۶-۲۸
	عزت نفس	۲۸/۵۲ \pm ۲/۶۶	۲۵-۳۰
	خودشکوفایی	۲۱/۳۷ \pm ۳/۱۱	۱۵-۲۶
	استقلال	۲۴/۱۹ \pm ۲/۹۶	۱۱-۲۸
	همدلی	۲۶/۶۶ \pm ۲/۵۲	۱۰-۳۰
	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۲۶/۷۴ \pm ۲/۳۳	۱۸-۳۰
	روابط بین فردی	۲۳/۴۵ \pm ۲/۹۶	۱۷-۲۸
	واقع‌گرایی	۱۹/۳۶ \pm ۳/۲۴	۱۲-۲۷
	انعطاف‌پذیری	۲۰/۵۵ \pm ۲/۲۸	۱۳-۳۰
	حل مسأله	۲۲/۲۲ \pm ۳/۰۹	۱۵-۲۵
	تحمل فشار روانی	۲۴/۶۸ \pm ۲/۴۱	۲۰-۲۶
	کنترل تکانه	۱۹/۲۴ \pm ۲/۱۵	۱۷-۲۳
	خوش‌بینی	۲۳/۶۳ \pm ۲/۶۹	۱۴-۲۹
	شادمانی	۲۰/۹۴ \pm ۲/۵۵	۱۲-۲۶
مجموع	۳۵۴/۴۶ \pm ۴۰/۶۶	۲۲۷-۴۱۵	

شدند تا همبستگی آنها مورد بررسی قرار گیرد. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود با توجه به میزان همبستگی‌های به دست آمده، بین متغیر هوش هیجانی با انجام تدریس اثربخش توسط استادان بیش‌ترین رابطه به دست آمد ($r=0/81$) که در سطح $p<0/05$ معنادار بود و بین تدریس اثربخش با متغیر سن ($r=0/28$) رابطه نشان داده شد که در سطح $p<0/01$ معنادار بود؛ اما با مرتبه علمی ($r=0/17$)، جنس ($r=0/12$) رابطه آماری نشان نداد.

با توجه به فرضیه اول پژوهش و بررسی رابطه بین هوش هیجانی استادان دانشگاه علوم پزشکی و تدریس اثربخش آنها و تبیین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی هوش هیجانی استادان بر به کارگیری مؤلفه تدریس اثربخش، توسط استادان و تأثیر احتمالی عوامل دیگری نیز به غیر از هوش هیجانی استادان بر تدریس آنان از جمله سن، تحصیلات و جنسیت، در ابتدا متغیرهای هوش هیجانی استادان، تدریس اثربخش آنان و سه متغیر ذکر شده در یک ماتریس همبستگی وارد

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین متغیرهای وابسته و مستقل

عامل تغییرپذیری	تدریس اثربخش	هوش هیجانی	سن	مرتبه علمی	جنس
-----------------	--------------	------------	----	------------	-----

تدریس اثربخش	۱			
هوش هیجانی	۰/۸۱۶*	۱		
سن	۰/۲۸۴**	۰/۲۱۶	۱	
تحصیلات	۰/۱۷۱	۰/۱۳۶	-۰/۲۱۲	۱
جنس	-۰/۱۲۷	-۰/۱۸۴	۰/۱۴۷	-۰/۱۷۵

** $p < 0.05$; * $p < 0.01$

تدریس اثربخش توسط آنها به ترتیب در مؤلفه‌های اجرای تدریس ($F=0/78$)، روابط انسانی ($F=0/62$)، مدیریت کلاس درس ($F=0/61$)، ویژگی‌های شخصیتی ($F=0/59$)، ارزشیابی ($F=0/57$) و طراحی تدریس ($F=0/46$) از بیش‌ترین تا کم‌ترین رابطه وجود داشته است که در واقع بین هوش هیجانی استادان و به کارگیری همه مؤلفه‌های تدریس اثربخش توسط استادان رابطه معناداری در سطح $p < 0.05$ مشاهده شده است.

بحث

در پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین هوش هیجانی استادان و اثربخشی تدریس استادان دانشگاه علوم پزشکی پرداخته شد. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که با کنترل متغیرهای سن، جنس و تحصیلات استادان، عامل هوش هیجانی قادر است با قدرت بالایی اثربخشی تدریس استادان را پیش‌بینی نماید. به بیان دیگر، بین هوش هیجانی استادان و انجام تدریس اثربخش توسط آنها، رابطه معناداری وجود دارد. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش سن و تحصیلات، توان تدریس اثربخش نیز افزایش یافته است که البته، پس از هوش هیجانی، قدرت پیش‌بینی کنندگی متغیر سن بیشتر از متغیرهای تحصیلات و مرتبه علمی بوده است.

این یافته‌ها به طور کلی با نتایج پژوهش‌های فلاچی و رستمی (۱)، هوانگ (Hwang) (۱۶)، دفابیو و پلازچی (Defabio, Palazzeschi) (۱۷) و چن (Chan) (۱۸)، منطبق است. نتایج پژوهش فلاچی و رستمی که به بررسی نقش هوش هیجانی در اثربخشی تدریس معلمان مدارس

در راستای بررسی فرضیه دوم پژوهش: هوش هیجانی با کنترل متغیرهای مستقل زمینه‌ای دیگر (سن، جنس و تحصیلات) قدرت پیش‌بینی تدریس اثربخش را دارد، نتایج اجرای رگرسیون نشان داد ضریب پیش‌بینی متغیرهای سن ($\beta=0/14$ ، $p < 0/004$)، جنس ($\beta=0/13$ ، $p < 0/175$) و مرتبه علمی ($\beta=0/17$ ، $p < 0/150$) بود که در این میان متغیر سن، ضریب رگرسیون معناداری را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد متغیر سن می‌تواند ۱۳ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی تدریس اثربخش را تبیین کند ($R^2 = 0/13$). اما ضریب پیش‌بینی متغیرهای جنسیت و مرتبه علمی برای تدریس اثربخش معنادار نبوده است. همچنین رگرسیون هوش هیجانی استادان با ضریب معناداری قدرت پیش‌بینی تدریس اثربخش را نشان می‌دهد ($\beta=0/78$ ، $p < 0/0001$). نتایج حاکی از آن بود که متغیر هوش هیجانی می‌تواند ۵۱ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی تدریس اثربخش را تبیین کند ($R^2 = 0/51$). در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان دهنده نقش کلی هوش هیجانی استادان در انجام تدریس اثربخش توسط استادان است و حتی با کنترل متغیرهایی همچون سن، تحصیلات و جنسیت، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی تدریس اثربخش را در سطح بالایی دارا است.

برای بررسی فرضیه سوم پژوهش، رابطه جزئی بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های تدریس اثربخش مورد بررسی قرار گرفت. مؤلفه‌های تدریس اثربخش که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند شامل طراحی تدریس، اجرای تدریس، مدیریت کلاس درس، روابط انسانی، ارزشیابی و ویژگی‌های شخصیتی بودند. نتایج حاصل از فرضیه سوم پژوهش بیانگر آن بود بین هوش هیجانی استادان با انجام

بالا تدریس می‌کنند؛ مسؤولیت‌پذیر و عادلانه؛ دلسوز و دقیق‌اند، مهارت‌های اجتماعی و روحیه همکاری بالایی داشته و به درستی با فراگیران ارتباط برقرار می‌کنند" (۲۰ تا ۲۱) و بر این اساس، یک محیط امن عاطفی در کلاس درس ایجاد می‌شود که باعث ارتقای اثربخشی تدریس می‌شود (۱). همچنین قدرت درک اعضای هیأت‌علمی از احساسات، جنبه‌های انگیزشی، هیجانانگیز، استرس و مسائل مرتبط با رفتار دانشجویان، مرحله‌ای مهم از فرایند تدریس و یادگیری در دانشگاه است که می‌تواند به افزایش اثربخشی تدریس اعضای هیأت‌علمی کمک نماید، یک مدرس خوب در راستای ایجاد یک محیط یادگیری مطلوب، باید درک بالایی از سطح انگیزش و مسائل مرتبط با احساسات و هیجانانگیز دانشجویان داشته باشد، تعامل اجتماعی مثبت را تشویق کند و زمینه را برای افزایش تعهد و انگیزه برای یادگیری مطلوب فراهم نماید که این امر در افزایش اثربخشی تدریس استادان و یادگیری دانشجویان در جهت عملکرد بهتر آنان، مفید است (۲۲).

در واقع مدرسی که از سطح بالای هوش هیجانی برخوردار باشد نسبت به خود و فراگیران شناخت و آگاهی خوبی دارد و نقاط قوت و ضعف خود و فراگیرانش را می‌شناسد، از نقاط قوت و توانمندی‌ها در جهت تدریس بهتر استفاده می‌کند و در برطرف کردن نقاط ضعف و نقص‌ها کوشاست. چنین مدرسی چون انگیزشی بالا دارد با شور و شوق تدریس می‌کند، با علاقه علم‌آموزی می‌کند و نسبت به هر آنچه مرتبط با تدریس است تمایل نشان می‌دهد، شادمان، با دقت، و نوآور است. وی با کمک هوش هیجانی بالایی خود به خوبی می‌تواند عواطف و احساس خود را کنترل کند و باعث می‌شود که فراگیران نیز بتوانند عواطف خود را مدیریت کنند.

مدرس با هوش هیجانی بالا به واسطه حس هم‌دلی که دارد احساس فراگیران را می‌فهمد و به آن احترام می‌گذارد و در نهایت این که وی از آنجا که مهارت‌های اجتماعی بالا و روابط بین فردی قوی دارد به درستی با فراگیران ارتباط

راهنمایی پرداخته شد، حاکی از رابطه معنادار بین هوش هیجانی معلمان مدارس راهنمایی و اثربخشی تدریس آنان بود (۱). هوانگ در پژوهش خود به این نتیجه رسید معلمان که دارای مهارت‌های کلی هوش هیجانی برتر بودند، اثربخشی تدریس بالاتری را به دست آوردند. نتایج پژوهش‌های دفابیو و پلازچیوو و چن، نشان داد رابطه معناداری بین سطح هوش هیجانی معلمان با خودکارآمدی شغلی آنان، وجود داشته است. در عین حال این یافته پژوهش حاضر با نتایج مطالعه حقانی و همکاران (۱۵) که نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین نمره کل هوش هیجانی اساتیدی که دانشجویان آنها را نمونه می‌دانستند با سایر اساتید وجود نداشت، منطبق نبود.

همچنین در پژوهش حاضر، رابطه هوش هیجانی با مؤلفه‌های تدریس اثربخش نیز بررسی شد که نتایج نشان داد بین هوش هیجانی استادان دانشگاه علوم پزشکی و به کارگیری همه مؤلفه‌های تدریس اثربخش (طراحی تدریس، اجرای تدریس، مدیریت کلاس درس، روابط انسانی، ارزشیابی و ویژگی‌های شخصیتی) توسط استادان، رابطه معناداری وجود داشته است، این یافته‌ها با نتایج تحقیق فلاحی و رستمی (۱)، که نشان دهنده رابطه معنادار بین هوش هیجانی معلمان و زیرمقیاس‌های تدریس اثربخش (حمایت عاطفی و حمایت آموزشی)، بوده و همچنین با نتایج پژوهش هوانگ (Hwang) (۱۶) که مؤید رابطه معنادار بین هوش هیجانی معلمان با انجام تدریس اثربخش توسط آنان در حیطه‌های درک نیازهای عاطفی و آموزشی دانش‌آموزان، سازمان‌دهی کلاسی و فراهم نمودن یک فضای یادگیری حمایتی در فرایند تدریس بود، منطبق بود.

با نگاهی به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که انجام تدریس اثربخش توسط استادان دانشگاه با سطح هوش هیجانی آنها رابطه معناداری دارد، زیرا "مدرسان با هوش هیجانی بالا، تلاش می‌کنند تا عیب‌ها را برطرف سازند و ویژگی‌های مثبتی را در خود و فراگیرانشان تقویت نمایند؛ آنها با شور و شوق و انگیزه‌های

لازم است ارزشیابی تدریس اثربخش به طور همزمان توسط دانشجویان و تست‌های شخصیت نیز در مطالعه‌ای دیگر به طور همزمان مورد بررسی قرار گیرد.

در راستای بهبود و افزایش اثربخشی تدریس استادان دانشگاه‌های علوم پزشکی، پیشنهاد می‌شود تمهیدات لازم در زمینه پرورش و تقویت مهارت‌های مرتبط با هوش هیجانی در استادان دانشگاه از طریق تدارک آموزش‌های ضمن خدمت، برگزاری کارگاه‌های روش تدریس و برنامه‌ریزی کامل برای آموزش فنون جدید و پیشرفته تدریس با در نظر گرفتن فاکتور هوش هیجانی به استادان، اندیشیده و انجام شود.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش بیانگر آن بود که با کنترل متغیرهای سن، جنس و مرتبه علمی استادان، فاکتور هوش هیجانی قادر است با قدرت بالایی اثربخشی تدریس استادان را پیش‌بینی نماید. به بیان دیگر، برخورداری استادان از هوش هیجانی بالا، می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در اثربخشی تدریس آنها باشد. با اتکا به نتایج پژوهش حاضر که بیانگر رابطه معنادار بین هوش هیجانی استادان دانشگاه و میزان اثربخشی تدریس آنها بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که در حرفه تدریس که در واقع یک هنر و مهارت فراتکنیکی است، داشتن هوش هیجانی بالا، دارای اهمیت مضاعف و عامل تعیین‌کننده‌ای در ارتقای اثربخشی تدریس استادان است. در حقیقت اگر استادان دانشگاه از هوش هیجانی بالایی برخوردار باشند، می‌تواند اثربخشی تدریس آنها نیز ارتقا پیدا می‌کند و امکان تحقق یادگیری مطلوب در دانشجویان و همچنین تحقق اهداف آموزشی و درسی، افزایش می‌یابد. برنامه‌ریزان آموزش عالی باید به اهمیت نقش هوش هیجانی در اثربخشی تدریس استادان پی برده، تمهیدات لازم را در این زمینه بیاندیشند و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های صاحب‌نظران و یافته‌های پژوهش‌ها، زمینه‌هایی را برای پرورش مهارت‌های هوش هیجانی در دانشجویان

برقرار می‌کند، شنونده فعالی است و در برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی مؤثر توانمند است؛ مسؤلیت‌پذیر است و حس همکاری بالایی دارد (۱۵).

در مجموع اگر استادان دانشگاه بتوانند با فراهم کردن فضای یاددهی یادگیری مشارکت محور و مسؤولانه و از طریق روابط انسانی مطلوب با دانشجویان، زمینه‌هایی را برای ایجاد صمیمیت، شادی، اشتیاق به یادگیری، علاقه مندی و هم‌دلی در کلاس درس فراهم کنند، اثربخشی تدریس آنها ارتقا می‌یابد و در نتیجه می‌توان تا حدود زیادی به تحقق یادگیری مطلوب در فراگیران، امیدوار بود (۱۰ تا ۱۱). موضوعی که در این پژوهش باید به آن توجه کرد، محدود بودن جامعه آماری به استادان دانشگاه علوم پزشکی مازندران است، لذا در تعمیم نتایج پژوهش حاضر به سایر دانشگاه‌ها و رشته‌ها باید احتیاط کرد. یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش را می‌توان مقطعی بودن و استفاده از طرح همبستگی برای نشان دادن رابطه بین متغیرها دانست. از این رو جهت وضوح بیشتر رابطه‌های نشان داده شده بین متغیرها، احتیاج به مطالعات طولی است. نکته مهم دیگری که باید در این مطالعه به آن اشاره کرد استفاده از ابزار خودسنجی در ارتباط با متغیرهای پژوهش و به ویژه هوش هیجانی است، استفاده از ابزار خودسنجی می‌تواند نمرده‌دهی آن را تحت تأثیر شخصیت افراد قرار دهد و نمرات با شخصیت افراد ارتباط داشته باشد که اشکال مهم آن، پایین بودن همبستگی بین آنچه فرد گزارش نموده و هوش هیجانی واقعی اوست، رویکرد دیگری که می‌تواند برای سنجش هوش هیجانی استفاده کرد، پرسیدن سؤالاتی درباره هیجان است که دارای یک جواب مشخص باشد. در این رویکرد، عملکرد هیجانی فرد با یک معیار بیرونی سنجیده می‌شود. که منجر به سنجیدن توانایی هوش هیجانی می‌شود و بسیار عینی‌تر از رویکرد خودسنجی است (۲۳). در واقع نمرده‌دهی توسط فردی که خودابرازی بالایی دارد مطمئناً نمره بالاتری به خود خواهد داد، بنابراین نمره پرسشنامه بالاتر و همبستگی نیز بالاتر خواهد بود. لذا

که با وجود مشغله زیاد، با بذل وقت ارزشمند خود در تکمیل پرسشنامه‌ها نهایت همکاری را از خود نشان دادند و ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، صمیمانه قدردانی و سپاس‌گزاری نمایم.

که مربیان، معلمان و استادان آینده نظام آموزشی کشور هستند، فراهم نمایند.

قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از کلیه استادان عزیزی

منابع

1. Fallahi V, Rostami K. [On the Role of Emotional Intelligence in Secondary Teachers' Teaching Effectiveness]. Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration. 2012; 3(1): 167-188. [Persian]
2. Bar-on R. Emotional and social intelligence: Insights from the emotional Quotient Inventory (EQ-I). In: Golman D, Bar-on R, Parker JDA (Editors). The Handbook of Emotional Intelligence: Theory, Development, Assessment, and Application at Home, School and in the Workplace. San Francisco: Jossey-Bass; 2000.
3. Vakili M, Nourian A, Mousavi Nasab S. [Characteristics of a Good Teacher from the Point of View of Student and Teaching Staff in Zanjan University of Medical Sciences]. Journal of Medical Education Development. 2009; 1(1): 17-28. [Persian]
4. Knapper CK, Cropley AJ. Lifelong Learning in Higher Education. 3thed. London: Kogan Page; 2000.
5. Dalby T. Theory and Practice of Teaching in a University Mathematics Learning Centre. International Journal of Mathematical Education in Science and Technology. 2001; 32(5): 691-696.
6. Nicoll K, Harrison R. Constructing the Good Teacher in Higher Education: The Discursive Work of Student. Studies in Continuing Education. 2003; 25(1): 23-35.
7. Codde JR. Applying the seven principles for good practice in undergraduate education. [Cited 2014 October 04] Available from: https://www.google.com/url?url=https://www.shadowmountain.org/Content/HtmlImages/Public/Documents/General/EBI/Current_Students/Applying%20the%20Seven%20Principles%20for%20Good%20Practices%20in%20Undergraduate%20Education.pdf&rct=j&frm=1&q=&esrc=s&sa=U&ei=TtAvVIOzGaaCzAPK04LoBg&ved=0CBQQFjAA&usq=AFQjCNGEHDY-HcK3qINMLq0j9_FyTaxGMw
8. Algozzine B, Beattie J, Bray M, Flowers C, Gretes J, Howely L, et al. Student evaluation of college teaching: A practice in principles. College teaching. 2004; 52(4): 134-141.
9. Nelson MS. Peer evaluation of teaching: an approach whose time has come. Acad Med. 1998; 73(1): 4-5.
10. Qualter P, Whiteley H, Gardner K. Emotional Intelligence: Review of research and Educational Implications. Pastoral care in education. 2007; 25(1): 11-20.
11. Mayer JD, Garuso DR, Salovey P. Emotional Intelligence Meets Traditional Standards for an Intelligence. 2001; 27(4): 267-98.
12. Goleman D. Emotional Intelligence: why it can matter than IQ. 10thed London: Bantam Books; 2005.
13. Mayer JD, Cobb CD. Educational policy on emotional intelligence: does it make sense?. Educational Psychology Review. 2000; 12(2): 163-183.
14. Hargreaves A. Emotional Geographies of teaching. Teachers College Records. 2001; 103(6): 1056-1080
15. Haghani F, Aminian B, Changiz T. [Aya asatidi kea z dide daneshjouyan nemoune hastand houshe hayajani balatari darand?]. Strides in Development of Medical Education. 2011; 8(2): 132-40. [Persian]
16. Hwang F. The Relationship between Emotional Intelligence and Teaching Effectiveness [dissertation]. Texas: A&M University-Kingsville; 2007.
17. Annamaria D, Letizia P. Emotional intelligence and Self-efficacy in A sample of Italian high school teachers. Social behavior and Personality. 2008; 36(3): 315-326.
18. Chan DW. Perceived emotional intelligence and self-efficacy among Chinese secondary school teachers in Hong Kong. Personality and Individual Differences. 2004; 36(8): 1781-1795.
19. Samoiee R. [Houshe hayajani: tarjome va hanjaryabi]. [Cited 2014 october 19] Available from:

www.mhrn.net/load_pdf.php?essay_id=148

20. Haghani F, Aminian B, Kamali F, Jamshidian S. [Critical Thinking Skills and Their Relationship with Emotional Intelligence in Medical Students of Introductory Clinical Medicine (ICM) Course in Isfahan University of Medical Sciences]. Iranian Journal of Medical Education. 2011; 10(5): 906-17. [Persian]
21. Calloway-Graham D. The art of teaching and learning. The Social Science Journal. 2004; 41(4): 689-94.
22. Jha A, Singh I. Teacher Effectiveness in Relation to Emotional Intelligence Among Medical and Engineering Faculty Members. Europe's Journal of Psychology. 2012; 8(4): 667-685.
23. Grieve R. Do we need emotional intelligence tests for teachers?. 2013. [cited 2014 May 5]. Available from: <http://theconversation.com/do-we-need-emotional-intelligence-tests-for-teachers-12805>.

The Relationship between Emotional Intelligence and Implementation of Effective Teaching Components by Faculty members in Mazandaran University of Medical Sciences

Hassan eslamian¹, Hossein Jafari Sani², Zohreh Goodarzi³, Zahra eslamian⁴

Abstract

Introduction: *The ability to set and manage faculty members' emotions in classrooms is an important and determinant factor in successful and effective teaching. The main objective of this study was to determine the relationship between emotional intelligence and effectiveness of teaching and implementation of effective teaching components by faculty members of Mazandaran University of Medical Sciences.*

Methods: *This descriptive study was conducted on 393 faculty members of Mazandaran University of Medical Sciences who were teaching in 2012-2013 academic years. A sample of 191 faculty members was selected according to krejcie and Morgan's sample size table. Research tools were a research-made effective teaching questionnaire and Bar-Ann emotional intelligence questionnaire. The collected data were analyzed using descriptive statistics, Pearson Correlation and Regression analysis.*

Results: *The findings showed a significant relationship between faculty members' emotional intelligence and their effective teaching ($p < 0.05$). Their emotional intelligence was able to predict the effective teaching with a significant coefficient ($\beta = 0.78$, $p < 0.0005$). There was a significant correlation between faculty members' emotional intelligence and implementation of all the components of effective teaching (teaching design, education, classroom management, human relations, assessment, and desired personality traits) ($P < 0.05$).*

Conclusion: *The results indicated that by controlling variables such as age, gender, and education of faculty members, emotional intelligence can strongly predict the effectiveness of their teaching. In other words, faculty members' high emotional intelligence could be a determining factor for their effective teaching.*

Keywords: Emotional intelligence, effective teaching, predicting effective teaching, Faculty members.

Addresses:

¹ (✉) PhD Candidate in Curriculum Development, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: eslamian.1362@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: hsuny@ferdowsi.um.ac.ir

³ Master in Educational Sciences, Instructor, Payam Noor University of Fereidoonshahr, Isfahan, Iran. Email: goudarzi.zohreh@yahoo.com

⁴ PhD Candidate in Curriculum Development, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: Zahra.es68@gmail.com